

# ہفت آوا

مجموعہ مقالات موسیقی



امیر حسن سعید



روبروی دانشگاه تهران، فخر رازی، فاتحی داریان، پلاک ۳

تلفن: ۶۶۴۰۵۹۹۲ و ۶۶۹۷۳۳۷۲

[www.moin-publisher.com](http://www.moin-publisher.com)

[info@moin-publisher.com](mailto:info@moin-publisher.com)

---

امیرحسین سعیدی

### هفت آوا

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۴۰۰ نسخه

خوشنویسی روی جلد: بیژن بیژنی

صفحه آرا: زهره افتخاری

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مجتمع چاپ طیف نگار

تمامی حقوق این اثر برای ناشر و مؤلف محفوظ است.

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۱۴۲۳۰ - ۶۶۹۶۱۴۹۵

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

## فهرست مقالات

- پیش درآمد..... ۷
- خاندان هنر..... ۱۳
- «یاپیرجان» صدویست ساله شد..... ۴۱
- عارف قزوینی در تبعید همدان..... ۶۷
- گنجینه‌ای پنهان در سینه دوامی..... ۸۹
- در کنار استاد دوامی..... ۱۰۳
- ۴۰ سال پس از خاموشی «مرغ سحر»..... ۱۲۱
- ابوالحسن خان صبا: مردی که به تنهایی یک ارکستر بود..... ۱۴۵
- صبا نوآور و جستجوگر بود..... ۱۷۵
- تاج اصفهانی: صدائی که هنوز در بیشه‌زارهای زاینده‌رود جاری است ۱۸۷

ترانه‌های محیط (به مناسبت درگذشت استاد محمد محیط طباطبائی)

۲۰۹.....

شجریان: هر کسی از ظن خود شد یار من..... ۲۱۵.....

آوای دوست: روایت‌های تلخ و شیرین از کنسرت شجریان و گروه «آوا»

۲۴۱.....

به نام آن که «آوا» از اوست

### پیش درآمد

آنچه در این مجموعه می‌خوانید، مقاله‌های پژوهشی یا گزارش‌ها و گفت‌وگوهایی است که من بین سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ برای هفت شماره از فصلنامه «آوا» در آلمان نوشته‌ام همراه با یک مقاله از استاد محمدرضا شجریان که به تقاضای من برای تکمیل زندگینامه استاد عبدالله دوامی افزون کرد. شجریان به راستی بهانه و پشتوانه انتشار «آوا» بود و اولین شماره این فصلنامه نیز همزمان با کنسرت‌های او و گروه «آوا» در اروپا منتشر شد و در این کنسرت‌ها ارائه گشت.

موسسه فرهنگی و هنری «آوا» اواخر دهه ۶۰ در آلمان تاسیس شد تا کنسرت‌های شجریان و گروه همراه او را که همان «آوا» عنوان گرفته بود، سازماندهی کند. من هم یکی از دست اندرکاران این موسسه بودم که پس از چند کنسرت، پیشنهاد کردم نشریه‌ای هم به نام این موسسه و همراه کنسرت‌ها منتشر کنیم تا بتوانیم موسیقی هنری و نژاده ایرانی را هرچه بهتر و بیشتر به علاقمندان، بویژه در خارج از ایران، معرفی کنیم. این پیشنهاد از سوی شجریان و مدیران «آوا» مورد موافقت قرار گرفت و اولین شماره پائیز سال ۱۳۷۰ و همزمان با کنسرت‌های پائیزه شجریان،

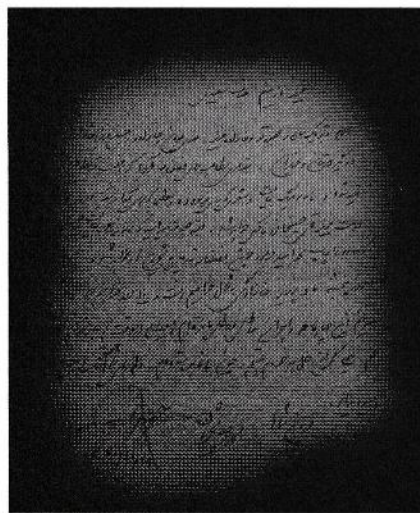
علی جهاندار و همنازان گروه «آوا» انتشار یافت و در این کنسرتها روی میز قرار گرفت.

همنازان گروه «آوا» چهره‌های جوانی بودند که شجریان را همراهی می‌کردند و امروز پس از گذشت نزدیک به ربع قرن، خود هریک استاد شناخته‌شده‌ای هستند: مسعود شناسا (سنتور)، داریوش پیرنیاکان (تار)، جمشید عندلیبی (نی)، محمد فیروزی (بربط)، سعید فرج پوری (کمانچه)، و همایون شجریان که در ۱۶ سالگی برای اولین بار با تنبک گروه را همراهی می‌کرد. ایرج حقیقی نیز صدابردار گروه بود. کنسرتها در طول ماه اکتبر ۱۹۹۱ در دوازده شهر مونیخ، وین، گراتز، نورنبرگ، ماینز، کلن، کارلسروهه، برلین، لندن، دوسلدروف، فرانکفورت و کاسل برگزار شد که همان زمان گزارش مفصلی از حاشیه‌های کنسرت نوشتم که آن گزارش را نیز در این کتاب می‌خوانید.

فصلنامه «آوا» در هفت شماره به مدت دو سال از پائیز ۱۳۷۰ تا پائیز ۱۳۷۲ منتشر شد و من بعنوان دبیر شورای نویسندگان، اداره این فصلنامه را برعهده داشتم و خود در هر شماره چند مطلب گوناگون، از خبر و مصاحبه و گزارش، تا مطالب تاریخی و پژوهشی در مورد موسیقی ایران می‌نوشتم. هنگامی که «آوا» منتشر شد و بویژه پس از چاپ گزارش مربوط به کنسرتها، عده‌ای در داخل و خارج کشور بر سر زبانها انداختند که این فصلنامه در حقیقت «شجریان نامه» است و زیر نظر او منتشر می‌شود تا به تعریف و تمجید از او و برنامه‌هایش پردازد. اما چنین نبود و چنین هم نشد؛ تا جائیکه استاد حسین علیزاده در مصاحبه خود با دکتر ناصر کنعانی که در آخرین شماره «آوا» (پائیز ۱۳۷۲) چاپ شد گفت: "یک موقع همه فکر می‌کردند که «آوا» صرفاً زیر نظر آقای

شجریان است؛ ولی این موسسه با گسترده کردن کارهایش حالت باز و بیطرفی پیدا کرده که از جمله انتشار همین نشریه است که مطالب مفیدی در آن منتشر می‌شود."

از همان آغاز، خودِ شجریان بیش از همه نگران این موضوع بود. او همراه با مقاله‌ای که در مورد استاد عبدالله دوامی نوشت، نامه‌ای هم برای من فرستاد. او در آن نامه که تصویرش را همینجا می‌بینید، نوشت: "مقداری مطالب برای فصلنامه آوا که اغلب توسط آقای دهباشی تهیه شده و نامه سرهنگ بیات و مطلبی که برای آوا نوشته امروز توسط دوست عزیز آقای حسینجانی فاکس خواهد شد. البته خود بهتر می‌دانید که نامه سرهنگ بیات و شعری را که سروده چاپ نخواهید فرمود چون فصلنامه تبدیل به «شجریان نامه» خواهد شد."



خود من در سومین شماره آوا (بهار ۱۳۷۱) در «سرسخن» آن شماره با عنوان آوا بلندگو و سخنگوی کسی نیست!« نوشتم: «هنگام انتشار شماره اول، من باتوجه به تجربه و بینش روزنامه نگاری خودم معتقد بودم که باید روی جلد عکس شجریان را چاپ کنیم. او پس از سالها

کار هنری و کسب محبوبیت در میان میلیونها ایرانی، اولین مصاحبه خود را با یک نشریه انجام داده بود و انجام این مصاحبه می‌توانست در

ادامه انتشار «آوا» و کسب تیراژ نقش مهمی داشته باشد. اما با توجه به پیش بینی‌هایی که می‌کردیم، دوستان در شورای انتشارات با پیشنهاد من موافقت نکردند و شماره اول با تصویر زنده یاد استاد عبدالله دوامی، به یاد صدمین سالگرد تولد او انتشار یافت.

در ادامه آن نوشته آمده بود: "ما با دلسوختگان فرهنگ و هنر ایران که نگرانند مبدا تعریف و تمجیدهای خارج از اندازه و بی‌حد و حساب از یک هنرمند، بین او و مردم فاصله بیاندازد و او را به امامزاده‌ای بدل کند که دیر یا زود آنقدر به کرامات خود معتقد شود که دست هیچ تنابنده‌ای هم به دامن معجزه سازش نرسد، حرفی داریم. در یک کلام بگوئیم ما نیز با شما همفکر و همصدائیم که نباید هنرمند را - حالا هرکس که باشد- آنقدر بالا برد که دیگر نتوان با هزار وسیله او را به میان مردم باز آورد... اما نمی‌دانم چرا در میان ما ایرانیان این رسم ناپسند جا افتاده است که باید چهره‌های ارزشمند علمی، فرهنگی، هنری و اجتماعیمان را بعد از مرگ آنها قدر بدانیم و در رثایشان مقاله‌ها و کتابها بنویسیم... ما در «آوا» همتمان را بر این قرار داده‌ایم که همراه بایزرگداشت رفتگان، زندگان را نیز دریابیم و ارج بگذاریم. به این خاطر و به سبب در دسترس بودن از شجریان شروع کردیم، ولی نباید اینگونه فهمیده شود که با او هم به پایان خواهیم برد."

از این نوشته حالا بیست و سه سال می‌گذرد. «آوا» را بیش از هفت شماره نتوانستیم در آلمان منتشر کنیم. پس از آن پروانه انتشار فصلنامه «آوا» را در ایران و از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفتیم تا کار را در اینجا ادامه دهیم؛ اما مسائل اقتصادی و مالی و مشکلات برنامه ریزی نگذاشت این کار صورت بگیرد و پروانه انتشار هم ماند و خاک خورد.



برخی آمدند و خواستند آن را از من وام بگیرند یا بخرند، اما دلم به این کار رضا نداد که نشریه‌ای بنام من باشد اما خود سایه بر سر آن نداشته باشم.

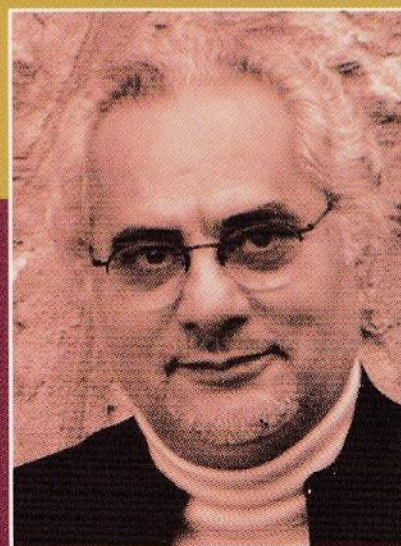
در این مدت برخی از دوستان اهل موسیقی دردیدارهایی که دست می‌داد، ضمن یادآوری از خوبیهای «آ/و» و آگاهی از دلیل منتشر نشدن آن، پیشنهاد می‌کردند که برخی از مقالات و گزارشهای آن را به صورت مجموعه‌ای منتشر کنم. مشغله‌های فرهنگی و آموزشی زیاد همراه با تنبلی و بالارفتن سن و سال، این مهم را تا به امروز به تعویق انداخت. اینک خوشحالم که آن کار به انجام می‌رسد. برای بسیاری از این مقاله‌ها، بویژه زندگی‌نامه‌ها، ماهها وقت صرف کرده‌ام که امیدوارم به کار تاریخ موسیقی ایران هم بیاید. راستی را، اینک که بازنویسی و بازخوانی مطالب این مجموعه را به پایان برده‌ام، شوقی دوباره در دلم افتاده که نوشتن در مورد دیگر بزرگان موسیقی ایران را به همچنان ادامه بدهم تا شاید به این ترتیب مجموعه‌ای مستند و خواندنی از زندگی آنان فراهم آید. آرزو می‌کنم عمری و ذوقی برای این کار که چند سالی طول خواهد کشید، داشته باشم و در این راه نیازمند دعای خیر دوستداران موسیقی نژاده ایران هستم.

مطالب را به همان صورتی که در فصلنامه «آ/و» چاپ شده، در این مجموعه می‌خوانید. اگر یافته‌های تازه‌ای بوده، یا توضیحی لازم آمده، آن را در جای خود افزوده‌ام. اما عکسها در این کتاب بسیار بیشتر از فصلنامه است؛ چرا که پدید آمدن فضای گسترده مجازی در این بیست و سه سال، امکانات بیشتری در اختیار مولف قرار داده است تا عکسهای مورد نیاز و قدیمی را پیدا کند که از این بابت شکرگزارم. اگر عکسی در این

مجموعه می‌بینید که عکاس آن شما هستید یا او را می‌شناسید، لطفاً معرفی کنید تا در چاپهای بعدی ذکر شود.

سیاسگزارم از دوستانی که مرا به گردآوری این مجموعه تشویق کردند؛ بویژه از دوست هنرمندم، نوازنده نامدار سازهای کوبه‌ای «بهنام سامانی» تشکر می‌کنم که شماره‌های مختلف «آوا» را از آرشیو خود در اختیارم گذاشت تا مشکل آسان شود. پایدار باشید!

امیرحسین سعیدی / پاییز ۱۳۹۵  
amirhassansaedi@yahoo.de



امیرحسین سعیدی به سال ۱۳۳۰ خورشیدی در زنجان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در رشته روزنامه نگاری و علوم ارتباطات اجتماعی در ایران، ایالات متحده آمریکا و آلمان ادامه داد و سپس به تدریس و کار در این رشته پرداخت که تاکنون ادامه دارد.

سعیدی در کنار رشته تخصصی خود، از نوجوانی به سرودن شعر علاقه داشت. در آغاز به شعر نیمایی و آزاد گرایش داشت؛ اما در دودهمی اخیر به غزلسرائی روی آورده که مجموعه اشعارش با عنوان «برس به دادِ من ای عشق...» در حال آماده شدن برای چاپ است.

کتاب «هفت آوا» مجموعه نوشته های سعیدی درباره ی موسیقی ایران است که بین سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ در هفت شماره از فصلنامه «آوا» در آلمان که سردبیری آنرا برعهده داشت، منتشر شد. او همچنین در زمینه ترانه سرائی با نامدارانی چون محمدرضا شجریان، کامبیز روشن روان، جواد ضرابیان، بیژن بیژنی، اسماعیل تهرانی و حسامالدین سراج همکاری داشته است.

طراح گرافیک: ترنم حسن پور